

مقاله پژوهشی

مشارکت نهادهای قدرت و جوامع محلی در مدیریت یکپارچه شهرهای دریاپایه*

حمیده ابرقویی فرد

دکتری معماری منظر، دانشکده معماری، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۴ تاریخ قرارگیری روی سایت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۱

چکیده منظر از روابط مستمر بین جوامع و محیط طبیعی آن‌ها شکل می‌گیرد و به‌عنوان یک پدیده فرهنگی-طبیعی و دارایی مشترک جوامع، از شایستگی بسیاری برخوردار است. در این رویکرد منظر محصول مبارزه میان گروه‌هایی با منافع و اهداف متفاوت از جمله جوامع و نهادهای مدیریتی است. این مسئله به شکل ویژه در منظر شهرهای دریاپایه نمودی بارز دارد. قرارگیری مناطق باارزش اجتماعی و طبیعی چون تنگه چاه کوه و جنگل‌های حرا، در فهرست میراث جهانی یونسکو اگرچه فرصتی ارزشمند در جهت حفاظت سازنده است اما ممکن است با آسیب‌هایی چون مداخله بیشینه در منظر یا رهاسازی آن همراه باشد. به گونه‌ای که این مناظر در نتیجه نادیده انگاشتن زمینه اجتماعی و مکان ویژه بودن هر مورد به شکل‌گیری فضایی غیرمولد و ناهمگام با تعامل پیوسته در حال دگرگونی انسان و محیط تبدیل شوند. مطرح بودن شهربندرهایی چون قشم و بندر خمیر به‌عنوان مقاصد گردشگری مبتنی بر منابع طبیعی، توجه به منابع طبیعی چون دریا را به‌عنوان یک میراث و دارایی مشترک میان دو عاملیت جوامع محلی و نهادهای قدرت ضروری می‌سازد و تبیین راهکارهایی برای برقراری موازنه در شیوه و میزان مداخله و بهره‌برداری از دریا و سایر بسترهای طبیعی مرتبط با آن را مورد توجه قرار می‌دهد. بررسی ارزش ذاتی سایت‌های شناخته شده به‌عنوان میراث مشترک بشری با نمایش پویایی زمانی-مکانی حاصل از فرایندهای طبیعی و تنوع زیستی-فرهنگی حاصل از همزیستی انسان و طبیعت و نیاز به پرکردن شکاف بین رشته‌های علوم اجتماعی و جغرافیایی از ضرورت‌های پژوهش حاضر هستند. هدف از این نوشتار واکاوی و تحلیل شیوه مدیریت مناظر با ارزش فرهنگی و طبیعی به‌مثابه دارایی مشترک بشری است به گونه‌ای که با به‌کارگیری ظرفیت‌های جوامع محلی، ابعاد مختلف مفهوم «میراث طبیعی-فرهنگی» مشخص شده و راهبردهایی برای مدیریت پایدارتر شهرهای دریاپایه فراهم شود. روش تحقیق در پژوهش حاضر از نوع کیفی و مطالعه موردی بوده و با رویکرد تحلیلی به تبیین مدل مفهومی منظر به‌مثابه دارایی مشترک می‌پردازد. جمع‌آوری اطلاعات در مرحله تبیین مبانی نظری از نوع کتابخانه‌ای و در مرحله مطالعه موردی به شیوه میدانی و مطالعه اسنادی بوده است. عدم یکپارچگی کامل جوامع محلی و نهادهای مدیریتی در موردهای مورد مطالعه به هدررفت ظرفیت‌های گردشگری و ایجاد فضایی غیرمولد منجر شده است. این در حالی است که رویکرد میان‌رشته‌ای منظر با تمرکز بر نقاط توافق و مشترک، زمینه نوظهور و راهنمایی را برای ایجاد پل بر شکاف طبیعت-فرهنگ از طریق به‌کارگیری قابلیت‌های فرهنگی و اجتماعی جوامع محلی نشان می‌دهد زیرا ارزش‌های مختلف منظر به‌عنوان منبع مشترک، به‌طور جدایی‌ناپذیری با جوامع و افرادی که آنها را می‌سازند در ارتباط است. نگرش به منظر شهرهای دریاپایه به‌عنوان موجودیتی زنده و در معرض تخصیص و استفاده مجدد از سوی کنشگران، با بر سه اصل تعادل، انعطاف‌پذیری و پویایی و میانه‌روی، مدیریت کارآمد و پایدارتر آنها را به همراه دارد.

واژگان کلیدی | میراث طبیعی-فرهنگی، تنگه چاه کوه، جنگل‌های حرا.

گروه‌های فرهنگی از عناصر طبیعی در مدیریت محیط پیرامونی یکی از نموده‌های این مسئله است (صابونچی و ابرقویی فرد، ۱۳۹۹، ۱۸). به موازات این مسئله افزایش سریع جمعیت جهان، تقاضا برای منابع

مقدمه محیط طبیعی و عناصر آن همواره عوامل تعیین‌کننده‌ای در نحوه ساماندهی سکونتگاه‌های انسانی بوده و بهره‌گیری هوشمندانه

نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۶۹۹۸۲۲۳ hamidehabarghoui@ut.ac.ir

(مشارکت نهادهای مردمی در ساماندهی منظر) و مدیریت یکپارچه منظر (حاصل رابطه هم‌افزای مردم و نهاد قدرت) به‌عنوان پدیده اجتماعی-طبیعی و دارای مشترک بشریت شکل گرفته است. شکل‌گیری و مدیریت اجتماع‌محور منظر طبیعی (Gerber & Hess, 2017; Wu, 2013)، نقش آفرینی جوامع محلی در مدیریت و توسعه پایدار منظر (Barrera-Bassols, 1994; Toledo, 2005; Greider & Garkovich, 1994) و ضرورت برقراری موازنه قدرت در مدیریت منظر (Law, 2002, Mitchell, 2002, Zukin, 1993, Antrop, 2005) از جمله سرفصل‌های کلی پژوهش حاضر هستند که در مبانی نظری این حوزه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. تا به امروز پژوهش‌های مختلفی درباره شیوه‌های مدیریت منظر شهرهای دریاپایه استان هرمزگان با تأکید بر جاذبه‌های فرهنگی و طبیعی در قالب مفهوم اکوتوریسم به رشته تحریر درآمده است. مکان‌یابی و ارزیابی سایت‌های مهم و دارای پتانسیل برای توسعه مبتنی بر اکوتوریسم و جاذبه‌های فرهنگی-طبیعی در جزیره قشم (Dashti et al., 2013; Zare et al., 2016) و ارائه راه حل‌هایی برای توسعه پایدار آن‌ها (Safarabadi, 2016) موضوع برخی مطالعات بوده است. ارائه برنامه‌های مدیریت راهبردی برای حفاظت و توسعه پایدار اکوتوریسم (Jozi & Rezaian, 2010; Kalantari et al., 2011)؛ از جمله مطالعاتی بوده‌اند که بر ضرورت توجه هم‌زمان به ارزش‌های فرهنگ و طبیعی سایت‌هایی چون نمونه‌های مورد مطالعه در پژوهش حاضر تأکید داشته‌اند. برخی مطالعات به‌طور خاص بر تأثیر مشارکت جوامع محلی بر توسعه سایت‌های ارزشمند با تأکید بر ژئوتوریسم پرداخته‌اند (Shahhoseini et al., 2017; Kourosh Niya et al., 2019). تأکید پژوهش‌های صورت گرفته بر کلیدواژه‌های جامعه محلی و جاذبه‌های طبیعی و فرهنگی نشان‌دهنده اهمیت موضوع مورد پژوهش است؛ با این حال هیچ‌یک از این مطالعات به‌طور مستقیم به راهبردهای توسعه‌ای مبتنی بر پیوند میان جوامع محلی و نهادهای مدیریتی در حفظ و بهره‌برداری سایت‌های ارزشمند تمرکز نداشته‌اند. از سوی دیگر رویکرد مشارکت علاوه بر حوزه کلی مطالعات شهری، به شکل ویژه در انطباق با مفهوم منظر و قابلیت‌ها و ویژگی‌های آن از جمله ماهیت دموکراتیک منظر و جایگاه مخاطب در شکل‌گیری آن مورد واکاوی قرار گرفته است (مجیدی و همکاران، ۱۴۰۰؛ گلستانی و همکاران، ۱۳۹۹؛ منصور و فروغی، ۱۳۹۹؛ Roe, 2013). با این حال ردپایی از بررسی ظرفیت‌های رویکرد مشارکتی در مدیریت سایت‌های ارزشمند شهرهای دریاپایه وجود ندارد. بر این اساس پژوهش حاضر گامی مهم در واکاوی و تحلیل شیوه مدیریت مناظر با ارزش فرهنگی و طبیعی به‌مثابه دارای مشترک بشری به شمار می‌آید. بدین ترتیب با به‌کارگیری ظرفیت‌های جوامع محلی، ابعاد مختلف مفهوم «میراث طبیعی-فرهنگی» مشخص شده و راهبردهایی برای مدیریت پایدارتر شهرهای دریاپایه فراهم می‌شود.

طبیعی را به‌طور چشمگیری افزایش داده و تغییرات قابل‌توجهی در کمیت و کیفیت منابع طبیعی ایجاد کرده است. برای دستیابی به مدیریت منابع پایدار، دریافت راهنمایی‌های روشن‌گر از رشته‌های نوظهور مانند منظر ضروری است. منظر فضای عمل و وجود داشتن جامعه است و روابط معنایی را ایجاد می‌کند که به‌طور مداوم بین جوامع و محیط فیزیکی و بیولوژیکی آن‌ها برقرار شده و مورد مذاکره مجدد قرار می‌گیرد (Berque, 2013). مفهوم‌پردازی منظر به‌عنوان دارای مشترک جوامع، از شایستگی زیادی برخوردار است و در عین حال به منظر چشم‌اندازی سیاسی می‌بخشد. اگرچه این رویکرد زمینه ارتقاء و مدیریت بهتر منظر را فراهم می‌آورد؛ اما در عمل اغلب به تعارضاتی بر سر منظر به‌عنوان محصول مبارزات میان گروه‌هایی با منافع مخالف برمی‌گردد. از یک سو مدیریت و مداخله بیشینه نهادهای مدیریتی در منظر ممکن است بستر طبیعی ارزشمند را به منبع و کالایی قابل‌استفاده تنزل بخشد، و از سوی دیگر رویکرد محافظه‌کارانه مداخله حداقلی ممکن است به رها ساختن منظر و افول ارزش‌ها و منافع فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آن منجر شود. این مسئله به شکل ویژه در منظر شهرهای دریاپایه نمودی بارز دارد. قرارگیری مناطق با ارزش اجتماعی و طبیعی در فهرست میراث جهانی یونسکو اگرچه فرصتی ارزشمند در جهت حفظ میراث مشترک بشریت است، اما ممکن است با نقایصی چون نادیده انگاشتن زمینه اجتماعی و مکان ویژه بودن هر مورد و شکل‌گیری فضایی غیرمولد و ایستا و ناهمگام با تعامل پیوسته در حال دگرگونی انسان و محیط همراه شود. مطرح بودن شهربندریایی چون قشم و بندر خمیر به‌عنوان مقاصد گردشگری مبتنی بر منابع طبیعی، توجه به منابع طبیعی چون دریا را به‌عنوان یک میراث و دارای مشترک میان دو عاملیت جوامع محلی و نهادهای قدرت ضروری می‌سازد و تبیین راهکارهایی برای برقراری موازنه در شیوه و میزان مداخله و بهره‌برداری از دریا و سایر بسترهای طبیعی مرتبط با آن را مورد توجه قرار می‌دهد. واکاوی و تحلیل شیوه مدیریت دو نمونه جنگل‌های حفاظت‌شده حرا و تنگه چاه‌کوه به‌عنوان مناظر تحت حفاظت سازمان یونسکو با به‌کارگیری ظرفیت‌های جوامع محلی، ممکن است در تبیین مدلی مفهومی مبتنی بر راهبردهای مدیریتی در سایر بسترهای طبیعی در شهرهای دریاپایه مؤثر واقع شود. پژوهش حاضر با تکیه بر آموزه‌های به‌دست‌آمده از نحوه مدیریت جنگل‌های حرا در بندر خمیر و تنگه چاه‌کوه در قشم به دنبال پاسخگویی به پرسش‌های زیر است:

- مدیریت پایدارتر منظر شهرهای دریاپایه باید شامل تعریف چه اصول، راهبردها و دستورالعمل‌هایی باشد؟

- منظر در جایگاه یک میراث طبیعی-فرهنگی از چه ویژگی‌هایی برخوردار است؟

پیشینه پژوهش

پژوهش حاضر با پرسش از رابطه میان سه متغیر منظر قدرت (مشارکت نهادهای قدرت در ساماندهی منظر)، منظر اجتماعی

مبانی نظری

• میراث طبیعی - فرهنگی به مثابه دارایی مشترک بشری

انسان‌ها میراث^۱ مشترک خود را از دو منبع در حال ترکیب محیط طبیعی و آفریده‌های انسانی دریافت می‌کنند. در شکل‌گیری این میراث این دو با یکدیگر ترکیب شده و هیچ جنبه‌ای از طبیعت از اثرگذاری عوامل انسانی محفوظ نبوده و هیچ مصنوعی بی‌تأثیر از محیط نیست (Lowenthal, 2005, 81). تاریخچه بشریت و تاریخ طبیعت، مطالعاتی کمتر تفکیک‌شده و یک کار مشترک هستند. تجربیات اخیر نشان داده‌اند که در بسیاری از مناظر، میراث طبیعی و میراث فرهنگی به‌طور جدایی‌ناپذیری با هم پیوند خورده‌اند و رویکرد مناسب ممکن است از کیفیاتی چون بینش یکپارچه و کل‌نگر برای تفسیر، درک و مدیریت بهتر میراث برای جامعه بهره‌مند شود. علی‌رغم لغازی رایج دربارهٔ سنتز فرهنگ و طبیعت و شکل‌گیری میراث مشترک، نابرابری‌ها در برخی از رویکردهای عملیاتی رایج در سطح جهانی مشخص‌تر می‌شوند. به گونه‌ای که در برخی رویکردها در پیش‌گرفتن رویکرد حفاظت مطلق، طبیعت‌الگو قرار گرفته و در نقطه مقابل رویکردهای مبتنی بر ارجحیت‌بخشی به مداخله و فعالیت انسانی، فرهنگ برتری می‌یابد^۲. بر این اساس «عدم درک منظر به‌عنوان یک اصطلاح کل‌نگر که هر دو نوع میراث طبیعی و فرهنگی را در بر می‌گیرد، راه‌حل‌های پایدار حفاظت، تفسیر و مدیریت کلی محیط زیست یک منظر معین را با مشکل مواجه کرده است» (Marafa, 2003, 310). پرداختن به اهمیت میراث طبیعی-اجتماعی در قالب مفاهیمی چون «یکپارچگی اکولوژیکی^۳»، «حفظ تنوع زیستی^۴» و... در منشورهای مهم جهانی، اهمیت تطبیق رویکردهای کلی در نمونه‌های خاص را آشکار می‌سازد.

«نقد علم اجتماعی^۵» از مناطق حفاظت‌شده یکی از مباحث مورد توجه در تحلیل اقدامات مطلقاً محافظتی نسبت به میراث فرهنگی-طبیعی است. به‌عنوان مثال بی‌توجهی دانشمندان علوم طبیعی نسبت به زمینهٔ اجتماعی فضای مورد حفاظت و تلاش یک‌جانبه در جهت ترویج اقدامات فرهنگی مربوط به دستور کار خاص خویش، از جمله انتقادات مطرح‌شده در این رویکرد است و نیاز به رویکرد میان‌رشته‌ای و کل‌نگر را مطرح می‌سازد. پرتکرارترین پیامی که از مقالات گذشته‌نگر و مبتنی بر حفاظت زیستی^۶ بیرون می‌آید، نیاز شدید به میان‌رشته‌ای بودن و گنجاندن علوم مختلف اجتماعی در رویکردهای مدیریتی است. باید یاد بگیریم چگونه دانش علمی خود را به عمل تبدیل کنیم و راه‌حلی معطوف به رفتار انسان را در نظر بگیریم (Harmon, 2007, 382-383). بر این اساس ایجاد پیوند میان ابعاد طبیعی و فرهنگی میراث جمعی بشری به‌ویژه در نواحی تحت حفاظت سازمان‌هایی چون یونسکو موضوعی مورد توجه در پژوهش‌های پیشین بوده است (Leitão et al, 2018; Vanneste & Stoffelen, 2020; Buckley et al., 2019). ارزش‌بخشی به میراث طبیعی-فرهنگی در رویکردی کل‌نگر و دربردارندهٔ مؤلفه‌های مکمل

فرهنگ و طبیعت، جوامع محلی و نهادهای مدیریتی و اصول کلی منشورهای جهانی و بازگردان زمینه‌گرایی آن در قالب راهکارهای عملیاتی هر نمونهٔ خاص، از اهمیت بالایی برخوردار است^۷. زیرا قرارگیری ادراکات مردم در مسیر صحیح آشنایی با ارزش‌ها و فلسفهٔ وجودی هر گونه میراث طبیعی و فرهنگی آن‌ها را متعهد و آماده می‌سازد تا آن را برای منافع عمومی حفظ و نگهداری، مدیریت و تفسیر کنند. بر این مبنا میراث فرهنگی-طبیعی، از ویژگی اصلی «کل بودن» برخوردار است که با شکل‌گیری توازن میان عاملیت‌های یادشده تحقق می‌یابد.

• اصول و ویژگی‌های رویکرد مناسب نسبت به میراث طبیعی فرهنگی

مرور مطالعات در زمینهٔ مدیریت مناظر برخوردار از ارزش طبیعی و فرهنگی، نشان‌دهندهٔ سه اصل اساسی یکپارچه‌سازی جوامع محلی و نهادهای مدیریتی، امتزاج بازیگران اصلی طبیعت و فرهنگ و زمینه‌گرایی و انطباق راهکارهای کلان با نمونه موردی خاص است. به کار بستن راهبردهای مذکور تحقق منظر به‌عنوان پدیده‌ای طبیعی-فرهنگی و میراث مشترک بشری را ممکن می‌سازد.

- یکپارچه‌سازی جوامع محلی و نهادهای مدیریتی

مسئلهٔ اصلی در حفاظت از سایت‌های باارزشی چون ژئوپارک‌ها، درنظر گرفتن رابطهٔ سه‌گانه بین محافظ، میراث و مخاطب است (بصیری و همکاران، ۱۳۹۳). بر این اساس میراث شامل معنا، محافظ تسهیل‌کنندهٔ درک معنای میراث و مخاطب کسی است که معنای میراث را درک می‌کند. مردمی که در منطقهٔ حفاظت‌شده زندگی می‌کنند و برای رفع نیازهای مالی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی خود از آن بهره‌برداری می‌کنند، عامل اساسی در جهت دستیابی به مدیریت بهینه هستند. به نظر می‌رسد برقراری تعادل و ارتباط میان سه عاملیت مردم، دولت و جاذبه‌های ژئوتوریسم در فرایندی دربردارندهٔ طراحی، نظارت و مدیریت راه‌حلی مناسب باشد (Pourfaraj et al., 2020, 80-81). مفهوم «یکپارچگی» را می‌توان به‌عنوان مبنای توسعهٔ مدیریت حفاظتی و تضمینی برای جلوگیری از کاهش ارزش‌های یک میراث در نظر گرفت (Jokilehto, 2006). از دیرباز دغدغهٔ پایداری ارزش‌های چندگانهٔ طبیعت مورد توجه اندیشمندان قرار داشته است. فرایند تملک جمعی توسط بازیگران مختلف و فراتر از استراتژی‌های خصوصی و اختصاصی، با مطرح ساختن مفهوم «منظر به‌مثابه منبع مشترک^۸» مردم را قادر می‌سازد دارای مالکیت مشترک و در واقع مباشران مشترک خود باشند (Bollier & Helfrich, 2015). این مسئله ضرورت ارزش‌گذاری بر عاملیت مردم به‌عنوان افراد، گروه‌ها، جوامع و نهادهای تصمیم‌گیرنده در ارتباط با میراث طبیعی-فرهنگی را آشکار می‌سازد. فراست و همکاران (Frost et al., 2006) با تمرکز بر رویکرد مدیریت یکپارچهٔ منابع طبیعی^۹، به تلاقی منافع مردم محلی و مدیران برای حل مشکلات اجتماعی و زیست‌محیطی به ویژه با

محلی - برای انجام یک مسئولیت مشترک مورد توجه قرار گرفته است (Susilo & Suroso, 2015, 116).

جمع‌بندی

از مرور سه اصل پیشین می‌توان نتیجه گرفت معنا یافتن مناظر بالارزش جهانی در مقام پدیده‌های فرهنگی-طبیعی در گرو مدیریت یکپارچه و مشارکتی ذی‌نفعان اصلی جوامع محلی و نهادهای مدیریتی است که رویکردی کل‌نگر به منظر در چارچوب سه عاملیت است: عاملیت انسانی شامل نهادهای مدیریتی و جوامع محلی، عاملیت زمینی‌های شامل طبیعت و فرهنگ، عاملیت فرایندی شامل راهکارهای مدیریتی کلان و زمینه‌های اختصاصی هر نمونه (تصویر ۱).

تحلیل نمونه موردی

دره چاه کوه واقع در جزیره قشم و جنگل‌های محافظت‌شده حرا در بندر خمیر دو نمونه اصلی مورد بحث در پژوهش حاضر هستند. بر اساس مطالعه صفرآبادی (Safarabadi, 2016, 53) دو مورد مذکور از جهت جاذبه‌های گردشگری و مقیاس بهره‌وری، از رتبه بالاتری نسبت به سایر اماکن مطرح در زمینه اکوتوریسم استان هرمزگان قرار دارند. بخشی از راهبردها و دستورالعمل‌های سازمان یونسکو در جهت مدیریت این منطقه حفاظت‌شده شامل به‌کارگیری ظرفیت‌های جوامع محلی است. هر دو مورد یادشده به‌عنوان میراث طبیعی-فرهنگی در نظر گرفته می‌شوند که «شانگر فرایندهای زیست‌محیطی جاری در تکامل و توسعه جوامع در زیستگاه‌های طبیعی قابل توجه بوده و برای آموزش، افزایش آگاهی زیست‌محیطی، حفاظت از تنوع زیستی و همچنین به‌عنوان مقصدی برای گردشگری و بزرگداشت طبیعت مورد استفاده قرار می‌گیرند» (Marafa, 2003, 307). موارد مذکور همچنین به دلایلی چون

تأکید بر توانمندسازی ذی‌نفعان محلی توجهی خاص دارند و هشت دستورالعمل را پیشنهاد می‌کنند:

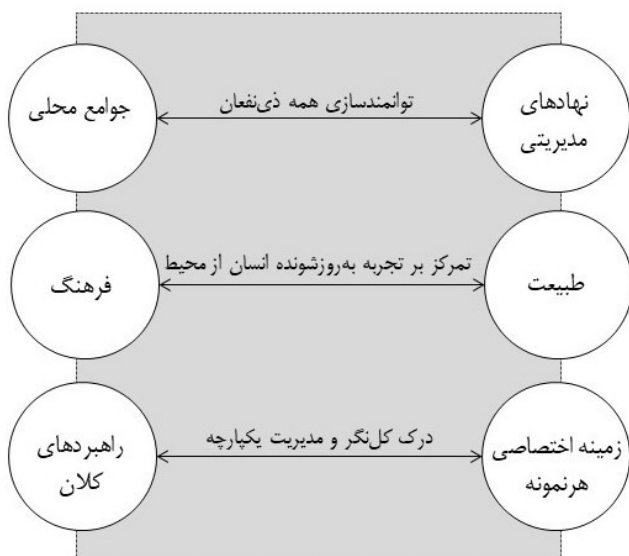
تمرکز بر تجزیه و تحلیل و مداخله چندمقیاسی، توسعه مشارکت در اقدام پژوهی، تسهیل تغییر به‌جای دیکنه‌کردن آن، ترویج چشم‌انداز و توسعه سناریوها، درک اهمیت دانش محلی، تقویت یادگیری اجتماعی و مدیریت تطبیق‌پذیر، تمرکز بر مردم و منابع طبیعی آن‌ها، از جمله تنوع زیستی، درآمیختن با پیچیدگی (Frost et al., 2006).

- امتزاج بازیگران اصلی؛ طبیعت و فرهنگ

در فرایند تحول محیط به منظر عوامل انسانی برای پاسخگویی به نیازهای مادی و معنایی خود دست به تحول محیط طبیعی می‌زنند (ابرقویی فرد و صابونچی، ۱۳۹۹، ۲۸). منظر منطقه‌ای است که توسط مردم ادراک می‌شود و شخصیت آن در نتیجه تعامل عوامل طبیعی و یا انسانی شکل می‌گیرد. بر این مبنا هرگونه مداخله و اثرگذاری در میراث طبیعی-فرهنگی، بایستی با توجه هم‌زمان به ابعاد انسانی و محیطی صورت پذیرد. رویکردهای مبتنی بر منبع به منظر با تأکید بر منظر به‌عنوان یک منبع فرهنگی و مخزن معنایی، خطر فراموشی این حقیقت را به همراه دارد که رابطه با منظر قبل از هر چیز تجربه یک محیط است. در نقطه مقابل در رویکردهای مبتنی بر منبع مشترک، بر تجربه به‌طور مداوم به روزشونده سوژه انسانی متمرکز بوده و فرایندی از تصاحب جمعی، تصمیم‌گیری جمعی و هویت‌سازی جمعی را شامل می‌شوند (Gereber & Hess, 2017, 714-715). در این حالت منظر «از دیدگاه فلسفی و معرفت‌شناختی»، به‌عنوان یک کالای مشترک «به معنای تقسیم ارزش‌های سیاسی و محیطی مطرح است که برای ساختن هویت جوامع مهم و تعیین‌کننده هستند» (Menatti, 2017, 641). بر این اساس به منظور ترویج استراتژی‌های توسعه محلی با هدف ایجاد منافع فرهنگی و اقتصادی در زمینه‌های کوچک‌مقیاس، ترویج گردشگری و ادغام منابع زیست‌محیطی، فرهنگی، تاریخی و همچنین اقتصادی و اجتماعی در چارچوب یک سیستم مورد توجه قرار می‌گیرد (Della Spina, 2021, 1116). به گونه‌ای که دخالت انسان در محیط نشان‌دهنده ویژگی خاص و منحصر به فرد طبیعت باشد.

- زمینه‌گرایی و انطباق راهکارهای کلان با نمونه موردی خاص

پیش‌فرض اصلی این است که داده‌های خوب، پیش‌نیاز تصمیم‌گیری خوب است. درک جامع‌نگر نسبت به محیط دریایی از طریق شناسایی کاربران و ذی‌نفعان، توسعه ادراک محیط سایت از طریق اجرای نظرسنجی‌های جامعه‌پایه، تعیین فرایندهای دگرگونی سایت، نظارت دوره‌ای و موثر، پاسخ به تغییر و افزایش مشارکت اجتماعی مناسب و رواج دسترسی غیرمداخله‌جویانه از جمله راهکارهایی است که رویکرد کلان مدیریت یکپارچه را به زمینه اختصاصی یک نمونه مشخص نزدیک می‌کند (Oxley, 2010, 415). بر این اساس ضرورت وجود یک مدیریت واحد، متحد، یکپارچه، کل‌نگر و دارای چند ذی‌نفع - دولت مرکزی و محلی، تجارت و جوامع



تصویر ۱. شبکه مسائل پیرامون مدیریت یکپارچه و مشارکتی منظر به‌عنوان پدیده‌های فرهنگی-طبیعی و میراث مشترک بشری. مأخذ: نگارنده.

مشارکت نهادهای قدرت و جوامع محلی در مدیریت یکپارچه شهرهای دریاپایه

شامل فروش صنایع دستی تولیدشده توسط زنان محلی، ۴. آگاهی بخشی به جامعه محلی نسبت به ارزش های اقتصادی حضور گردشگران و تشویق آنها در ارائه امکانات و خدماتی چون حمل و نقل، اقامت و...، ۵. آگاهی بخشی به جامعه محلی درباره ارزش های طبیعت در قالب رویدادهایی چون اردوی علمی-آموزشی با موضوع مدیریت زباله ها و با هدف مشارکت بانوان در ساختن روستایی سالم در روز بزرگداشت زمین، ۶. استمرار بهره‌وری از سیستم آبی در ارتباط با تنگه چاه کوه در روستا (تصویر ۳).

• جنگل های حرا در بندر خمیر

مجموعه حفاظت شده جنگل های سرسبز ساحلی مانگرو یا حرا یکی از جنگل های پنجگانه استان هرمزگان در شمال غرب جزیره قشم قرار دارد. محصولات جنگلی، محصولات شیلاتی و همچنین محصولات غیرمستقیم معطوف به عملکردهای اکولوژیکی از جمله مزایای جنگل های حرا به شمار می آیند. یکی از بخش های این مجموعه، در مجاورت بندر خمیر بر اساس دو معاهده بین المللی حفاظت شده و به دلیل اهمیت بین المللی آن به عنوان ذخیره گاه زیست کره حرا شناخته می شود. سیاست های مدیریت شهری در خصوص جنگل حرا و تالاب بندر خمیر، دستاوردهایی چون ثبت آن به عنوان اولین شهر ملی تالابی ایران و قرارگیری در لیست شهرهای یادگیرنده سازمان یونسکو را به همراه داشته است. ثبت شهر بندر خمیر به عنوان شهر یادگیرنده سازمان یونسکو، آن را به یکی از موارد حائز در شیوه مدیریت مشارکتی مدیریت شهری و جوامع محلی مبدل می سازد. از جمله اقدامات مثبت مدیریتی صورت گرفته در خصوص این میراث طبیعی فرهنگی می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. برگزاری کارگاه ها و رویدادهای برنامه ریزی شده برای آموزش جامعه محلی از جمله ایجاد مرکز سیپا در بندر خمیر با هدف آموزش، افزایش مشارکت و افزایش آگاهی مردم، ۲. تخصیص تسهیلات اقتصادی و منابع مالی به جامعه محلی در جهت تجهیز و ارائه امکانات گردشگری از جمله ارائه وام و کمک هزینه جهت ساخت اقامتگاه بومگردی در

پویایی زمانی-مکانی حاصل از فرایندهای رسوبی در تنگه چاه کوه و ویژگی های زیست کره^{۱۰} در جنگل های حرا و شیوه های خلاقانه پاسخ به نیازهای انسانی در قالب مفاهیم چون شهر یادگیرنده^{۱۱} و نظایر آنها حائز اهمیت هستند. اهمیت ثانویه نمونه های مورد بحث، نمایش تنوع زیستی-فرهنگی^{۱۲} است که تمام حیات بر آن بنا شده است. تنوع زیستی-فرهنگی از نظر مفهومی، شکاف بین رشته های علوم اجتماعی و انسانی متمرکز بر مداخلات و رفتارهای انسانی رشته های علوم طبیعی متمرکز بر ماهیت متکامل جهان غیرانسانی را پر می کند. به عبارتی نمونه های مذکور نماینده نقش یافتن منظر به عنوان پدیده های طبیعی-فرهنگی و دارایی مشترک هستند. بر این اساس در ادامه به تجزیه و تحلیل یافته های به دست آمده از بازدید میدانی و اطلاعات تکمیلی به دست آمده از مطالعه اسناد بر مبنای سه گروه عوامل انسانی، پدیداری و فرایندی می پردازیم (تصویر ۲).

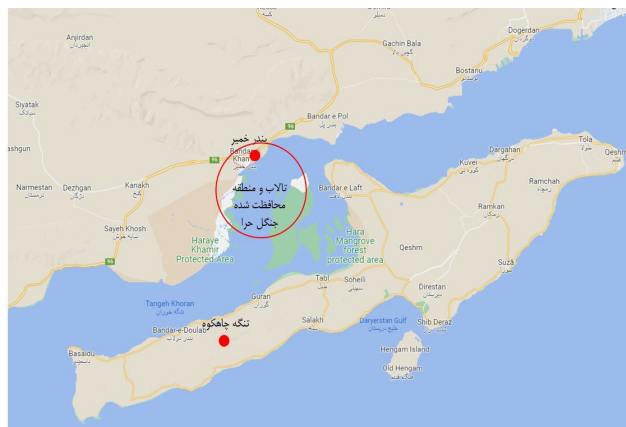
• دره چاه کوه

دره چاه کوه یا تنگه چاه کوه یکی از جاذبه های طبیعی جزیره قشم در استان هرمزگان و نمایشی از فرسایش سنگ های رسوبی است و بخشی از ژئوپارک قشم محسوب می شود که به تأیید یونسکو رسیده است. این دره در فاصله ۷۰ کیلومتری شهر قشم و در کنار روستای چاهو شرقی بخش شهاب قرار دارد. تنگه چاه کوه علاوه بر نمایش فرسایش سنگ های رسوبی به دلیل شیوه ذخیره آب شیرین در چند حلقه چاه آن نمونه ای از شیوه تعامل خلاقانه جوامع محلی با بستر طبیعی به شمار می آید. از جمله اقدامات صورت گرفته در این سایت که اغلب با رویکرد حفاظت مطلق از بستر طبیعی صورت پذیرفته اند می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. به کارگیری جامعه محلی در فرایند مدیریت فضا به شکل انعطاف پذیر و چندگانه نظیر استخدام دائمی راهنمایان محلی و به کارگیری هم یاران افتخاری در دوران اوج بازدیدها، ۲. تقویت ارزش استفاده فضا در عین حفظ ارزش ذاتی آن نظیر تجهیز محیطی و کالبدی فضا برای عبور و مرور به شکلی زمینه ساز، ۳. به کارگیری خرد بومی و ارزش های فرهنگی برای ایجاد جاذبه های گردشگری



تصویر ۳. تجربه ملموس خرد بومی در مدیریت زیرساخت های طبیعی تنگه چاه کوه. مأخذ: <https://www.aseanpaytakht.com/AttractionDetail/41637>



تصویر ۲. جانمایی دره چاه کوه واقع در جزیره قشم و جنگل های محافظت شده حرا در بندر خمیر. مأخذ: نگارنده.

یادشده است. از جمله مهم‌ترین اصول فرایند مذکور می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. برقراری تعادل در تعامل انسان و محیط و دو شریک نهادهای قدرت و جوامع محلی و دوری از مدیریت کمینه یا بیشینه، غلبه رویکرد گردشگری صرفاً مبتنی بر بهره اقتصادی و... ۲. پویایی و انعطاف‌پذیری در نحوه تخصیص فضا، امکانات و منابع به ذی‌نفعان مختلف از جمله جوامع محلی، نهادهای مدیریتی، گردشگران و دوری از رویکردهای مبتنی بر بهره‌برداری یک‌جانبه، ۳. به‌کارگیری دانش بومی و آموختن از اندوخته‌های فرهنگی چون نحوه بهره‌روی اقتصادی از منابع طبیعی چون آب و هم‌گام‌سازی آن با نیازهای زمانه ضمن به‌روزرسانی مداوم نحوه تفسیر کاربران از منظر، ۴. تمرکز بر رابطه با منظر بر اساس تجربه یک محیط به‌جای یک منبع فرهنگی و مخزن معنایی مورد حفاظت.

نتیجه‌گیری

منظر به‌عنوان پدیده‌ای حاصل تعامل انسان و محیط، پدیده‌ای هم‌زمان طبیعی-فرهنگی است. این مسئله به دلیل استفاده مشترک جوامع محلی و نهادهای مدیریتی از بستر طبیعی دریا در شهرهای دریاپایه نمودی برجسته دارد. خلاء دیرینه میان علوم زیستی و اجتماعی در چگونگی حفاظت از میراث مشترک بشری به‌عنوان پدیده‌ای فرهنگی-طبیعی، به‌طور مستقیم بر شرایط فعلی موردهای مطالعه شده تأثیر داشته است. عدم یکپارچگی کامل جوامع محلی و نهادهای مدیریتی به هدررفت ظرفیت‌های گردشگری این سایت‌ها منجر شده و ایجاد فضایی غیرمولد را به همراه داشته است. این در حالی است که درپیش گرفتن دیدگاه میان‌رشته‌ای منظر با تمرکز بر نقاط توافق و مشترک میان دو گانه‌های یادشده، نتایج بهتری را برای حفاظت فراهم می‌آورد. دورنمای حفاظت هم‌زمان از میراث طبیعی و فرهنگی ممکن است تیره و تار به نظر برسد، اما زمینه نوظهور و راهنمایی را به سوی چگونگی ایجاد پل بر شکاف طبیعت/فرهنگ نشان می‌دهد. این امر مستلزم جست‌وجوی زمینه



تصویر ۴. آموزش دادن ارزش‌های طبیعی و فرهنگی جنگل‌های حرا به بازدیدکنندگان در حین بازدید و تجربه ملموس آن. مأخذ: <https://www.mehmews.com/news/5165254/>

بندر خمیر، ۳. حمایت مادی و معنوی از خلاقیت‌هایی چون ساخت رستوران با مصالح بوم‌آورد و بازیافتی در بندر خمیر، ۴. برگزاری کارگاه‌هایی چون کارگاه آموزشی سیاست‌های شهر یادگیرنده پایدار و کارگاه آموزشی گردشگری خلاق با همکاری سازمان یونسکو، ۵. برگزاری رویدادهایی چون جشنواره عودنوازان و جشن نوروزی حرا، ۶. تبلیغات گسترده رسانه‌ای به منظور برندسازی شهری و شناساندن بندر خمیر با عناوینی چون اولین شهر ملی تالابی ایران و یکی از شهرهای یادگیرنده آن در سطح کشوری و حتی بین‌المللی، ۷. شفافیت در ارائه گزارش پیشرفت پروژه‌های شهری به شهروندان از طریق سایت شهرداری، ۸. برگزاری رویدادهایی چون «روز جهانی پرندگان مهاجر» به‌عنوان یک برنامه آگاهی‌بخشی سالانه و در ارتباط با اکوسیستم جنگل‌های حرا، ۹. برقراری فعالیت‌های آموزشی در سطوح مختلف شامل آموزش در مدارس، برنامه عملیاتی پاکسازی حاشیه تالاب خورخوران، پرندنگری در ساحل و برپایی نمایشگاه عکس از پرندگان تالابی در جوار تالاب، ۱۰. در پیش گرفتن سیاست‌های بهره‌وری خردمندانه از تالاب در قالب گردشگری و فاصله گرفتن از روش‌های سنتی معیشت.

همچنین اقدامات مدیریتی منفعلانه و گاه منفی زیر نیز در این نمونه خاص مورد توجه قرار دارند:

۱. تمرکز اقدامات بر تالاب و محدود ماندن به‌سازی منظر شهر به برخی اقدامات جزئی و سطحی مانند مرمت کف و دیواره‌ها و در مواردی بی‌توجهی کامل به بافت فرسوده، ۲. عدم وجود پیوستگی میان شهر و تالاب به دلیل ۳۰۰ متر مسافت حفاظت‌شده توسط سازمان محیط زیست، ۳. فاصله گرفتن از معماری بومی در برخی از ساخت و سازهای متأخر شامل بلوارکشی‌ها و ساخت اقامتگاه آبرگم بندر خمیر، ۴. محدود ساختن برخی از زیرساخت‌های معیشتی در ارتباط با تالاب از جمله فعالیت صیادی، رویکرد منفعل در برابر قابلیت بالای برخی از سنت‌ها، ۵. آیین‌ها و آموزه‌های فرهنگی نظیر موسیقی سنتی و جنبه صرفاً اقتصادی و نمایشی یافتن صنایع دستی بر خلاف تأکید بر سیاست‌هایی چون گردشگری خلاق، ۶. عدم برگزاری مستمر رویدادها و کارگاه‌ها پس از ثبت بندر خمیر به‌عنوان شهر یادگیرنده (تصویر ۴).

جمع‌بندی

دوسوگرایی معنای میراث فرهنگی-اجتماعی در دو نمونه بررسی شده نشانگر یک چالش و یک قابلیت بارز در چنین سایت‌هایی است. از یک زاویه دید چنین اماکنی پل مناسبی بین فضا و جامعه، فرهنگ و محیط هستند درحالی‌که سیال بودن تعریف، آن را از یک کاربرد تحلیلی محروم می‌سازد. از مقایسه اقدامات مدیریتی در دو نمونه جنگل‌های حرا در بندر خمیر و تنگه چاه‌کوه در قشم می‌توان به این نکته پی برد برقراری توازن میان عملیات‌های دو گانه‌های طبیعت و اجتماع، نهادهای مدیریتی و جوامع و راهکارهای کلان و زمینه خاص هر سایت، نیازمند وجود ویژگی‌هایی در نحوه ارتباط میان عملیات‌های

commons: focussing on the non-utility values of landscape. *International Journal of the Commons*, 11(2), 708-732.

- Ghasemi, F. & Kashef, M. H. (2015). The creation of geo-tourism infrastructure and a strategy for conservation and sustainable development of Qeshm Geopark. *Journal of Biodiversity and Environmental Sciences*, 6, 601-608. <http://www.innspub.net/>
- Greider, T. & Garkovich, L. (1994). Landscapes: The social construction of nature and the environment. *Rural Sociology*, 59(1), 1-24. <https://doi.org/10.1111/j.1549-0831.1994.tb00519.x>
- Harmon, D. (2007). A bridge over the chasm: Finding ways to achieve integrated natural and cultural heritage conservation. *International Journal of Heritage Studies*, 13(4-5), 380-392. <https://doi.org/10.1080/13527250701351098>
- Harwood, R.R. & Kassam, A.H. (Eds.) (2003). *Research towards integrated natural resources management: examples of research problems, approaches and partnerships in action in the CGIAR*. CGIAR, FAO, Rome, Italy. <http://hdl.handle.net/10919/65897>
- Jokilehto, J. (2006). Considerations on authenticity and integrity in world heritage context. *City Time*, 2(1), 70-83. URL: <http://www.ct.ceci-br.org>
- Jozi, S. A., & Rezaian, S. (2010, August). Presentation of strategic management plan in ecotourism development through SWOT (Case study: Qeshm Island). In *2010 International Conference on Chemistry and Chemical Engineering* (pp. 358-362). IEEE. <https://doi.org/10.1109/ICCCENG.2010.5560413>
- Kalantari, M., Bazdar, F., & Ghezlbash, S. (2011). Feasibility analysis of sustainable development emphasizing geotourism attractions using SWOT analysis. Case study: Qeshm Island Geo Park. In *International Conference on Biology, Environment and Chemistry IPCBEE* (Vol. 24). IACSIT Press.
- Kourosh Niya, A., Huang, J., Karimi, H., Keshtkar, H. & Naimi, B. (2019). Use of intensity analysis to characterize land use/cover change in the biggest Island of Persian Gulf, Qeshm Island, Iran. *Sustainability*, 11(16), 4396. <https://doi.org/10.3390/su111164396>
- Law, L. (2002). Defying disappearance: Cosmopolitan public spaces in Hong Kong. *Urban Studies*, 39(9), 1625-1645. <https://doi.org/10.1080/00420980220151691>
- Leitão, L., Wigboldus, L., Bourdin, G., Badman, T., Tolnay, Z. & Mthimkhulu, O. (2018). Connecting practice: Defining new methods and strategies to further integrate natural and cultural heritage under the World Heritage Convention. In N. Mitchell, J. Brown, & B. Barrett (eds.), *Cultural and Spiritual Significance of Nature in Protected Areas*. Routledge. (pp. 151-162)
- Lowenthal, D. (2005). Natural and cultural heritage. *International Journal of Heritage Studies*, 11(1), 81-92. <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2009.08.025>
- Marafa, L. (2003). Integrating natural and cultural heritage: The advantage of feng shui landscape resources. *International Journal of Heritage Studies*, 9(4), 307-323. <https://doi.org/10.1080/1352725022000155054>

- Menatti, L. (2017). Landscape: from common good to human right. *International Journal of the Commons*, 11(2), 641-683. <https://doi.org/10.18352/ijc.738>
- Mitchell, W. J. T. (Ed.). (2002). *Landscape and power*. University of Chicago Press.
- Oxley, I. (2010). Towards the integrated management of Scotland's cultural heritage: examining historic shipwrecks as marine environmental resources. *World Archaeology*, 32(3), 413-426. <https://doi.org/10.1080/00438240120048716>
- Pourfaraj, A., Ghaderi, E., Jomehpour, M. & Ferdowsi, S. (2020). Conservation management of geotourism attractions in tourism destinations. *Geoheritage*, 12(4), 80. <https://doi.org/10.1007/s12371-020-00500-4>
- Roe, M. (2013). Landscape and participation. In P. Howard, I. Thompson, E. Waterton & M. Atha (eds.), *The Routledge companion to landscape studies*. Routledge. (pp. 353-370)
- Safarabadi, A. (2016). Assessing ecotourism potential for sustainable development of coastal tourism in qeshm island, Iran. *European Journal of Geography*, 7(4), 53-66.
- Sayer, J. & Campbell, B. M. (2004). *The science of sustainable development: local livelihoods and the global environment*. Cambridge University Press.
- Shahhoseini, H., Modabberi, S. & Shahabi, M. (2017). Study of factors influencing the attitude of local people toward geotourism development in Qeshm National Geopark, Iran. *Geoheritage*, 9, 35-48. <https://doi.org/10.1007/s12371-015-0171-y>
- Susilo, Y. S. & Suroso, A. (2015). Integrated management of Borobudur world heritage site: A conflict resolution effort. *APMBA (Asia Pacific Management and Business Application)*, 3(2), 116-134. <https://doi.org/10.21776/ub.apmba.2014.003.02.4>
- Vanneste, D. & Stoffelen, A. (2020). Integrating natural and cultural heritage assets for tourism: a critical reflection on bridging concepts for future research. In M. Gravari-Barbas (ed.), *A Research Agenda for Heritage Tourism*. Edward Elgar Publishing. (pp. 49-62). <https://doi.org/10.4337/9781789903522.00011>
- Wu, J. (2013). Landscape sustainability science: ecosystem services and human well-being in changing landscapes. *Landscape Ecology*, 28, 999-1023. <https://doi.org/10.1007/s10980-013-9894-9>
- Zakeri, H., & Habib, F. (2013). Ecotourism Development Strategy in Hormoz Island using SWOT Model. *American Journal of Scientific Research*, 90, 38-47. <http://www.americanjournalofscientificresearch.com/>
- Zarei, M., Fatemi, M. R., Mortazavi, M. S, Pourebrahim, Sh. & Ghoddousi, J. (2016). Selection of the optimal tourism site using the ANP and fuzzy TOPSIS in the framework of Integrated Coastal Zone Management: A case of Qeshm Island. *Ocean & Coastal Management*, 130, 179-187. <https://doi.org/10.1016/j.ocecoaman.2016.06.012>
- Zukin, S. (1993). *Landscapes of power: from Detroit to Disney World*. University of California Press.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Manzar journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

ابرقویی فرد، حمیده. (۱۴۰۳). مشارکت نهادهای قدرت و جوامع محلی در مدیریت یکپارچه شهرهای دریای پابیه. منظر، ۱۶ (۶۷)، ۵۴-۶۱.



DOI: 10.22034/MANZAR.2024.432071.2272
 URL : https://www.manzar-sj.com/article_198632.html